



جان و جانان

امام مهدی (عج)
از نگاه امام خمینی (ره)

مرتضی نائینی

اشد الزجر

جان و جانان

مرتضیٰ نائینی



شناسنامه

نام کتاب: جان و جانان

نویسنده: مرتضی نائینی

ناشر: شہریار ۷۷۱۵۸۸۵ - ۲۵۱

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۸۰

حروفچینی: خیزران

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

شابک ۹۶۴-۵۹۳۴-۲۱-۴

ISBN 964-5934-21-4

جان و جانان

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از نگاه امام خمینی (ره) *

با سلام و درود به پیش‌گاه مقدس مولود نیمه‌ی شعبان و آخرین ذخیره‌ی امامت، حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه - و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچم‌دار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او. سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند.^۱

* با سپاس از مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) که امکان استفاده از موارد تلخیص‌شده‌ی سخنان و آثار امام را حل را فراهم آوردند.

۱ - صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۱۰۷.

① بقیة الله؛ انسان کامل

می‌گویند: «والعصر ان الانسان لفي خسر». عصر، انسان کامل است، امام زمان عليه السلام است؛ یعنی عصاره‌ی همه‌ی موجودات. قسم به عصاره‌ی همه‌ی موجودات؛ یعنی قسم به انسان کامل.^۱

عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صلى الله عليه وآله و ائمه هدی عليهم السلام و در عصر ما حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است. قسم به عصاره‌ی موجودات عصر، فشرده‌ی موجودات، آن‌که فشرده‌ی همه‌ی عوالم است. یک نسخه است، نسخه‌ی تمام عالم. همه‌ی عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره است و خدا به این عصاره قسم می‌خورد.^۲

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، ابعاد مختلفی دارد که آنچه که برای بشر واقع شده است، بعضی ابعاد اوست.^۳

پیغمبر مسی خواست همه‌ی مردم را

۱ - همان، ج ۷، ص ۲۲۵.

۲ - همان، ج ۱۲، صص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۳ - همان، ج ۲۰، ص ۸۳.

علی بن ابی طالب علیه السلام کند، ولی نمی شد و اگر بعثت، هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی بن ابی طالب علیه السلام و وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی، پیغمبر را مبعوث می کرد برای ساختن یک چنین انسان‌های کامل، سزاوار بود. لکن آن‌ها می خواستند که همه، آن طوری بشوند، آن توفیق حاصل نشد.^۱

ماه شعبان، شب نیمه‌ی شعبان دارد که تالی لیلۃ القدر است. ماه رمضان مبارک است، برای این که لیلۃ القدر دارد. و ماه شعبان، مبارک است برای این که نیمه‌ی شعبان دارد. ماه رمضان مبارک است، برای این که نزول وحی در او شده است یا به عبارت دیگر؛ معنویت رسول خدا، وحی را نازل کرده است. و ماه شعبان معظم است برای این که ماه ادامه‌ی همان معنویات ماه رمضان است. این ماه مبارک رمضان، جلوه‌ی لیلۃ القدر است که تمام حقایق و معانی در او جمع است. و ماه شعبان، ماه امامان است که ادامه‌ی همان است. در ماه مبارک رمضان، مقام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ولایت کلی الهی، بالاصالة تمام برکات را در این جهان بسط

۱ - همان، ج ۱۲، ص ۱۷۱.

داده است و ماه شعبان، که ماه امامان است، به برکت ولایت مطلقه، به تبع رسول الله ﷺ همان معانی را ادامه می دهد....

همان طوری که رسول اکرم ﷺ به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) نیز، همان طور حاکم بر جمیع موجودات است. آن، خاتم رسل است و این، خاتم ولایت است. آن، خاتم ولایت کلی بالاصالة است و این، خاتم ولایت کلی به تبعیت است.^۱

ماه مبارک رمضان که ماهی مبارک است، ممکن است برای این باشد که ماهی است که ولی اعظم، یعنی رسول خدا ﷺ واصل شده و بعد از وصول، ملائکه را و قرآن را نازل کرده است. به قدرت او، ملائکه نازل می شوند. به قدرت ولی اعظم است که قرآن نازل می شود و ملائکه نازل می شوند. ولی اعظم، به حقیقت قرآن می رسد در ماه مبارک و شب قدر و پس از رسیدن، متنزل می کند به وسیله ملائکه - که همه تابع او هستند - قرآن شریف را، تا به حدی که برای مردم بگوید. قرآن در حد ما نیست، در حد بشر نیست. قرآن، سرّی است بین حق و ولی الله اعظم

۱ - صحیفه‌ی امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

که رسول خداست، به تبع او نازل می شود تا می رسد به این جایی که به صورت حروف و کتاب در می آید که ما هم از آن استفاده می کنیم. و اگر سرّ «لیلة القدر» و سرّ «نزول ملائکه» در شب های قدر - که الآن هم برای ولیّ الله اعظم حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) این معنا امتداد دارد - سرّ این ها را ما بدانیم، همه ی مشکلات ما آسان می شود.^۱
 ذوات مطهره ی معصومین از رسول خدا تا حجت عصر عجل الله فرجه که مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفصیل اند.^۲

من خیلی ناراحت می شوم از این که مثلاً امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) را می گویند: سلطان السلاطین، خلیفة الله است.^۳
 مقام مقدس ولیّ الله اعظم و بقية الله فی ارضه ارواحنا لِمَقَدَمِهِ الفداء که واسطه ی فیض و عنایات حق تعالی است.^۴

از پیغمبر گرفته تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)، همه از گناه

۱ - صحیفه ی نور، ج ۱۹، صص ۱۷۱ - ۱۷۲.

۲ - آداب الصلوة، صص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۳ - صحیفه ی نور، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴ - همان، ج ۱۷، ص ۱۹۹.

می ترسیدند. گناه آنها غیر اینی است که من و شما داریم.
آنها یک عظمتی را ادراک می کردند که توجه به کثرت، از
گناهان کبیره است پیش آنها.^۱

﴿ ۲ ﴾ عرضه‌ی اعمال بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی
است و نامه‌ی اعمال ما به حسب روایات به امام وقت
عرضه می شود. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مراقب ما هستند.^۲
توجه داشته باشید که در کارهای تان جوری نباشد که
وقتی بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) عرضه شد، خدای
نخواست، آزرده بشوند و پیش ملائکه الله یک قدری
سرافکنده بشوند که، اینها شیعه‌های من هستند. اینها
دوستان من هستند و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند.
رییس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رییس متفعل
می شود.^۳

طوری باشد که نامه‌ها وقتی عرضه می شود، ایشان را

۱ - همان، ج ۲۰، ص ۸۷.

۲ - همان، ج ۱۸، صص ۱۷ - ۱۸.

۳ - همان، ج ۱۲، ص ۱۲۸.

متأثر نکند.^۱

خلاف ما برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) سرشکستگی دارد. دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه‌های او (خوب، ما شیعه‌ی او هستیم) شیعه‌ی او دارد این کار را می‌کند، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) سرشکسته می‌شود. بیدار بشوید که مسأله خطرناک است و خطر هم خطر شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است.^۲ قبل از این که این نامه‌ی اعمال ما به پیشگاه خدا و قبل از آن برای پیشگاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) برسد، خودمان باید نظر کنیم به این نامه‌ی اعمال مان.^۳

وقتی نامه‌های ما را بردند پیش امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) (در روایات است که هر هفته می‌برند، هفته‌ای دو دفعه). وقتی که می‌برند، اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم. ما آن طور نیست که خودسر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم.^۴

اگر یک وقت، نامه‌ی عمل یک روحانی را بردند و به

۱ - همان، ج ۱۲، ص ۲۲۴.

۲ - همان، ج ۸، ص ۱۴.

۳ - همان، ج ۱، ص ۳۳.

۴ - همان، ج ۸، ص ۱۴۹.

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) دادند و آن ملائکة اللّهی که بردند و نامه را دادند، بگویند: این هم روحانی شما، این ها پاسداران اسلام شما هستند؟ و امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) خجالت بکشد، نعوذ بالله. او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این آقا، خودشان خیلی منزّه است، از پسرشان یک چیزی صادر بشود، خودشان سرافکنده می شوند. اگر از خادمشان یک چیزی صادر بشود، خودشان سرافکنده می شوند. ما همه خادم هستیم. از ما توقع هست. از شما توقع هست.^۱

من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) پیش خدا شرمنده بشود. این ها شیعه‌ی تو هستند این کار را می کنند! نکند یک وقت خدای نخواسته، یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشت‌هایی که ملائکة الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی، رقیب دارد و مراقبت می شود. ذره‌هایی که بر قلب‌های شما می گذرد، رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد. گوش ما رقیب دارد. زبان ما رقیب دارد. قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می کنند این ها را، نکند که خدای نخواسته از من و شما و

۱ - همان، ج ۷، صص ۲۵۲ - ۲۵۳.

سایر دوستان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) یک وقت، چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) باشد. مراقبت کنید از خودتان. پاسداری کنید از خودتان.^۱

❦ کسب رضایت حضرت بقية الله (عجل الله تعالی فرجه)

رهبر همه‌ی شما و همه‌ی ما، وجود مبارک بقية الله (عجل الله تعالی فرجه) است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم.^۲

من امیدوارم که همه‌ی خواهرها و برادرها و همه‌ی قشرهای این ملت و همه‌ی ما، از خدمت‌گزاران به اسلام و ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) باشیم. ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) است و وظیفه‌ی آن‌هایی که در مملکت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) زندگی می‌کنند، یک وظیفه‌ی سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوییم ما در زیر پرچم ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) هستیم و عملاً توی آن مسیر نباشیم چنان‌چه نمی‌توانیم بگوییم که ما، جمهوری

۱ - همان، ج ۷، ص ۲۶۷.

۲ - همان، ج ۱۴، ص ۹۴.

اسلامی داریم و عملاً آن طور نباشیم، اسلامی نباشیم.^۱

④ انتظار یعنی مقابله با ظلم

در بعضی روایات که من حالا نمی دانم صحت و سقمش را، هست که یکی از چیزهای مستحب این است که مؤمنین در حال انتظار، اسلحه هم داشته باشند. اسلحه‌ی مهیا، نه این که اسلحه را بگذارند کنار و بنشینند منتظر. اسلحه داشته باشند برای این که با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است. نهی از منکر است. به همه‌ی ما تکلیف است که باید مقابله کنیم با این دستگاه‌های ظالم، خصوصاً دستگاه‌هایی که با اساس مخالفند.^۲

ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغل‌بازی پرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم.^۳

امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه به آن

۱ - همان، ج ۸، ص ۶۱.

۲ - همان، ج ۹، ص ۱۰۱.

۳ - همان، ج ۱۵، ص ۲۲.

وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب (عجل الله فرجه) برای ما تعیین فرموده‌اند، عمل کنیم و صورت‌ها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی.

شاید این وصفی که برای حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) ذکر شده است، دنبال همین آیه شریفه که می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادِي»، دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم. قیام واحد که بالاترین قیام، همان قیام آن شخص واحد است. و همه‌ی قیام‌ها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله باشد. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ». به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است، که قیام کنید و قیام لله باشد. قیام لله کنید. البته آن حضرت قیام لله می‌فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست، برای دیگران نیست. لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در این‌که قیام کنند لله، برای خدا.^۱

امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان به پاخیزند و داد خود را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج

۱ - همان، ج ۷، ص ۳۶.

آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم نمایند.^۱

ان شاء الله، اسلام را به آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و در دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا بر طرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا له الفداء.^۲

این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود. بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست.^۳

فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را هم چو بکنیم که مهیا بشود عالم، برای آمدن حضرت (عجل الله تعالی فرجه).^۴

⑤ برداشت‌های انحرافی از انتظار

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در

۱ - همان، ج ۱۹، ص ۵.

۲ - همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۳ - همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۴ - همان، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را از خدا بخواهند. این‌ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند، بلکه بعضی از آن‌ها را که من سابقاً می‌شناختم، بسیار مرد صالحی بود. یک اسبی هم خریده بود. یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) بود. این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین. دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و به فکر این مهم، که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته‌ی دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند: این است که، ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد. به این چیزها، ما کار نداشته باشیم. ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم. برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که

صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند: که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند. می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها. دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (عجل الله تعالی فرجه) تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند. اشخاص ساده‌لوح هم بودند. منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این، دامن می‌زدند.

یک دسته‌ی دیگری بودند که می‌گفتند: هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند. آن‌هایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن عَلم، عَلم باطل است. آن‌ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد. در صورتی که آن روایات که هر کس عَلم بلند کند عَلم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند.

حالا ما فرض می‌کنیم که یک هم‌چو روایاتی باشد، آید معنایش این نیست که ما تکلیف‌مان دیگر ساقط است. یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست؟ این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب که تشریف می‌آورند، برای چی می‌آیند؟ برای این‌که گسترش بدهند عدالت را. برای این‌که حکومت را تقویت کنند. برای این‌که فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه‌ی قرآن، دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این‌که حضرت بیایند. حضرت بیایند چه می‌کنند؟

حضرت می‌آیند می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد! به حسب رأی این جمعیت که بعضی‌شان بازیگرند و بعضی‌شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام! هرکسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است، برای این‌که حضرت دیر می‌آیند! و هرکسی دعا کند به صدام، برای این‌که، این فساد زیاد می‌کند. ما باید دعاگوی

آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذئاب
شان، از قبیل صدام باشیم و امثال این‌ها، تا این که این‌ها
عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند!
بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟

حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند. همان کاری که
ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد، حضرت
می‌خواهند همین را برش دارند. ما اگر دست مان
می‌رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم و جورها را از
عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست. منتها ما نمی‌توانیم.
اینی که هست، این است که حضرت عالم را پر می‌کنند از
عدالت. نه شما دست بردارید از این تکلیف‌تان، نه این که
شما دیگر تکلیف ندارید.^۱

«اگر خود حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) مقتضی بدانند،
خوب، خودشان تشریف بیاورند». یکی از علما این جوری
می‌گفت (خدا رحمتش کند) که: «من که دلم بیشتر از
حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) برای اسلام نسوخته است.
خوب ایشان هم که می‌بینند این را، خود ایشان بیایند، چرا
من بکنم؟».

۱ - همان، ج ۲۰، صص ۱۹۶ - ۱۹۷.

این منطق اشخاصی است که می‌خواهند از زیر بار دَر
بروند. اسلام، این‌ها را نمی‌پذیرد. اسلام، این‌ها را به هیچ
چیز نمی‌شمرد. این‌ها می‌خواهند از زیر بار دَر بروند. یک
چیزی درست می‌کنند. دو تا روایت از این طرف، از آن
طرف می‌گردند، پیدا می‌کنند که خیر، «با سلاطین مثلاً
بسازید، دعا کنید به سلاطین». این، خلاف قرآن است.
این‌ها نخوانده‌اند قرآن را. اگر صد تا هم چو روایت‌هایی
بیاید، ضرب به جدار می‌شود. خلاف قرآن است، خلاف
سیره‌ی انبیاست یا این‌که روایتی نیست. شما وقتی ملاحظه
می‌کنید آن همه روایاتی که اگر کسی میل به این بکند که
روایاتی است که: اگر مایل باشی که زنده باشد این سلطان،
تو هم با او هستی. مسلمان مگر می‌شود مایل باشد به
این‌که یکی زنده باشد و ظلم بکند، آدم بکشد؟ رابطه
داشته باشد با یک کسی که آدم می‌کشد؟ عالم می‌کشد؟
علما را می‌کشد؟^۱

این‌هایی که می‌گویند که هر عَلمی بلند بشود - و هر
حکومتی - خیال کردند که هر حکومتی باشد، این برخلاف
انتظار فرج است. این‌ها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند.

۱ - همان، ج ۲، ص ۲۸.

این‌ها تزییق کردند بهشان که این حرف‌ها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن؛ یعنی این که همه‌ی مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند. برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم، برای این که خلاف آیات قرآن است.^۱

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد. در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود. این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه‌های مان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم عجل علی فرجه. عجل با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این است، که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید، ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.^۲

۱ - همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۲ - همان، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

❖ لزوم حکومت اسلامی در دوران غیبت کبری

اکنون که دوران غیبت امام (عجل الله تعالی فرجه) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید. عقل هم به ما حکم می کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم.^۱

از غیبت صغری تا کنون که هزار و چند صد سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد، و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟ و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟!

قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن، بیست و سه سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خدا، اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغری، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟

۱ - ولایت فقیه، ص ۶۲.

اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود، قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود.^۱

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره‌ی غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام، تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟

معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی حالی، دست روی دست بگذاریم که هر کاری می خواهند بکنند؟ و ما اگر کارهای آنها را امضاء نکنیم، رد نمی کنیم. آیا باید اینطور باشد؟ یا این که حکومت لازم است و اگر خدا، شخص معینی را برای حکومت در دوره‌ی غیبت تعیین نکرده است، لکن آن

۱ - همان، ص ۳۰.

خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است.^۱

نگوید بگذار تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بیاید. شما نماز را هیچ وقت می گذارید تا وقتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) آمد، بخوانید؟ حفظ اسلام واجب تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمی کند!» این جا ننشینید فقط مباحثه کنید، بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید. حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید. البته مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده ام که تأثیر دارد.^۲

از همه شکننده تر، شعار گمراه کننده ی «حکومت قبل از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) باطل است» و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بود که نمی شد با نصیحت و مبارزه ی منفی و تبلیغات، جلوی آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود که خداوند،

۱ - همان، صص ۶۲ - ۶۳.

۲ - همان، ص ۸۷.

وسيله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد، سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد، آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.^۱

این نویسنده‌ی جاهل باز در کتابچه‌ی پوسیده، حرف‌هایی نسنجیده به دین و دین‌داران نسبت می‌دهد و از آن، نتیجه‌های شگفت‌آور می‌گیرد. می‌گوید: (دین امروز ما می‌گوید: هر دولتی که پیش از قیام قائم برپا شود، باطل است - کل زایة تُرفع قبل قیام القائم، فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله - . می‌گوید: کار سلطان و همراهی با آن عدیل کفر است - سألته عن عمل السلطان فقال الدخول فی اعمالهم و العون لهم و السعی فی حوائجهم عدیل الکفر - . می‌گوید: قتال به همراهی غیر امام مانند خوردن گوشت خوک و خون است). بلکه در حدیث صحیح، آماده بودن برای جنگ با دشمن را هم نهی کرده.

این نویسنده، مطالب را درهم و برهم کرده و روی هم ریخته، بی‌خردانه به اعتراض برخاسته. این احادیث هیچ مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه که هر خردمند لازم می‌داند، نیست. بلکه در روایت اول، دو احتمال است.

۱ - صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۸۸.

یکی آن‌که راجع به خبرهای ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علم‌هایی که به عنوان امامت قبل از قیام قائم برپا می‌شود، باطل است. چنانچه در ضمن همین روایت، علامت‌های ظهور هم ذکر شده است. و احتمال دیگر آن‌که از قبیل پیش‌گویی باشد از این حکومت‌هایی که در جهان تشکیل می‌شود تا زمان ظهور که هیچ‌کدام به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کنند و همین‌طور هم تاکنون بوده. شما چه حکومتی در جهان بعد از حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام سراغ دارید که حکومت عادلانه باشد و سلطانش، طاغی و برخلاف حق نباشد؟

اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومت‌ها جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آن‌ها را اصلاح کند، چه ربط دارد به این‌که حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می‌بیند که همیشه امامان شیعه با آن‌که حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آن‌ها آن‌طورها که می‌دانید سلوک می‌کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در

کمک‌های فکری و عملی، کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه‌ی جور باز شیعیان علی (عجل الله تعالی فرجه) پیش قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلام شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که، یا به دست شیعیان علی (عجل الله تعالی فرجه) یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده، شما همه می‌دانید که سلطنت بنی امیه در اسلام، بدترین و ظلمانه‌ترین سلطنت‌ها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر ﷺ و فرزندان علی بن ابی طالب علیهم‌السلام همه می‌دانید. و در میان همه‌ی بنی هاشم، بدسلوکی و ظلم‌شان نسبت به علی بن الحسین زین العابدین علیه‌السلام بیشتر و بالاتر بود. به همین سلطنت وحشیانه‌ی جائزانه ببینید علی بن الحسین علیه‌السلام چه قدر اظهار علاقه می‌کند....

اما روایت دوم که می‌گفت: داخل شدن در عمل سلطان و معاونت کردن از او و رفع حاجت او را کردن، هم‌دوش کفر است. این ماجراجوی بی‌خرد چنانچه تاکنون دیدید و عادت دارد، در نقل روایات خیانت می‌کند و گرنه مطلب، روشن‌تر از آن است که در آن، خود را نیازمند به جواب بدانیم. این روایت و امثال آن که روایات بسیاری است،

جلوگیری از داخل شدن در تشکیلات دولت است برای اعانت به ظالم و کمک کاری کردن بر ستم‌کاری‌ها. این در تمام قوانین عالم ممنوع است... ما می‌گوییم در همان تشکیلات خاتمان‌سوز دیکتاتوری هم اگر کسی وارد شود برای جلوگیری از فسادها و برای اصلاح حال کشور و توده، خوب است. بلکه گاهی هم واجب می‌شود. خوب است آقایان رجوع کنند به کتب فقها در باب ولایت از قبل ظالم، ببینند آن‌ها چه می‌گویند....

این بی‌خردان ماجراجو فقط برای آن که دولت و ملت را با دین‌داری و دین‌داران و خصوصاً با ملاها بدین‌کنند، در میان کتاب‌ها می‌گردند، یک حدیث پیدا می‌کنند. بی‌آن که بگویند این حدیث در چه موضوع وارد شده است، به چشم آن‌ها می‌کشند. غافل از آن که خوانندگان این اوراق، بسیاری‌شان دست کم با تاریخ اسلام سر و کار دارند. آن‌ها می‌دانند از اصحاب خاص ائمه و دوستان خصوصی این خاندان، در شغل دولتی داخل بودند و ائمه‌ی دین آن‌ها را تأیید و تمجید می‌کردند؛ مثل علی بن یقظین و محمد بن اسماعیل بن بزیر و عبدالله نجاشی؛ والی اهواز و دیگران و همین‌طور از بزرگان علمای ما در دربار سلاطین

وارد بودند، چنانچه پیش از این، اسم آنها را بردیم.
و اما روایت سوم که می‌گوید: قتال به همراهی غیر امام،
مانند خوردن گوشت خوک و خون است. این جاهل
بی‌خرد، نسنجیده و کتاب‌های فقها را ندیده، این بیهوده را
می‌گوید. در اسلام، دوگونه جنگ است که یکی را جهاد
می‌گویند و آن کشورگیری است با شرط‌هایی که برای آن
شده است و دیگری، جنگ برای استقلال کشور و دفع
اجانب از آن است.

جهاد که عبارت از کشورگیری و فتح ممالک است، پس
از آن است که، دولت اسلامی با وجود امام یا به امر امام
تشکیل می‌شود و در این صورت، اسلام بر تمام مردان که
به حدّ بلوغ رسیده باشند و افتاده و عاجز نباشند و مملوک
که از افراد اجانب است، نباشند، واجب کرده است که برای
کشورگیری حاضر شوند و قانون اسلام را در سرتاسر
ممالک جهان منتشر کنند و باید همه‌ی جهانیان بدانند که
کشورگیری اسلام با کشورگیری فرمان‌فرمایان جهان،
فرق‌ها دارد....

و چون معلوم شد که جهاد اسلامی، کشورگیری مانند
سایر کشورگیری‌ها نیست. البته باید تشکیل حکومت

اسلامی در تحت نظر امام عادل یا به امر او بشود تا به این امر اقدام شود وگرنه، چون کشورگیری دیگر جهانیان شود که آن از حکم خرد، بیرون و از بیدادگری‌ها و ستم‌کاری‌ها به شمار می‌رود و اسلام و تمدن و عدالت اسلامی از آن دور و بری است.

و اما قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن، جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده واجب است به حکم اسلام، از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پابرجا نمایند.^۱

⑦ انقلاب اسلامی، مقدمه‌ی نهضت جهانی حضرت

ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

انقلاب مردم ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه‌ی مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و

۱. کشف‌الاسرار، صص ۲۲۵ - ۲۳۱.

فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۱

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان پیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه‌ی روشن است و وعده‌ی خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه، و کعبه‌ی آمال محرومان و حکومت مستضعفان.^۲

این کشوری که کشور ائمه‌ی هدی و کشور صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می گذرد، جلوگیری کند.^۳

من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم، و متصل

۱ - صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۲ - همان، ج ۱۸، ص ۱۱.

۳ - همان، ج ۱۴، ص ۱۹۵.

بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) است.^۱

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه‌ی ستم‌گران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلاب‌مان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.^۲

اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آن‌چنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند.^۳

تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه را مفید و راه‌گشا می‌دانستند. امروز از این که در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست، رخ می‌دهد،

۱ - همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

۲ - همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۳ - همان، ج ۱۶، ص ۹۳.

فریاد و اسلاما سر می دهند! دیروز حجتیه‌ای‌ها، مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه‌ی مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه‌ی شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند.^۱

۸ مهیا شدن برای ظهور

ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست. ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این که اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الآن به کار گرفته شده‌اند در کشور ما، امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند. باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای

۱. همان، ج ۲۱، ص ۹۳.

❶ اصلاحات مصلح موعود

مکتب ولیّ امر را به آن توجه کنید که، برای تعلیم و تربیت این انسان است که از حدّ حیوانیت برساندش به حدّ انسانیت و رشد انسانی پیدا کند و تربیت‌های انسانی پیدا کند و تعلیمات، تعلیمات صحیح باشد.^۲

ولیّ عصر - ارواحنا له الفداء - که او تا ازل احیاء می‌کند دین خدای تبارک و تعالی را.^۳

دنیا علیل است. سران همه کشورها، الا انگشت شمار، نمی‌توانم بگویم این یکی دوتا، سه تا، سران همه‌ی این‌ها، مردم را مسموم کرده‌اند و افکار ملت‌های خودشان را مسموم کرده‌اند و علیل کرده‌اند ملت‌های خودشان را. آن‌قدر تحقیر کرده‌اند از این ملت‌ها، آن‌قدر این‌ها را در فشار اقتصادی قرار داده‌اند و آن‌قدر این بیچاره‌ها زحمت کشیدند و زحمت‌های‌شان را دیگران به غارت بردند، که

۱ - همان، ج ۱۲، صص ۲۰۸ - ۲۰۹.

۲ - همان، ج ۸، ص ۹۴.

۳ - همان، ج ۲۱، ص ۱۰۶.

علیل شدند. افکارشان از بین رفته است. یکی می خواهند که بیاید احیاء کند این افکار را. و من امیدوارم که ان شاء الله حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه) زودتر تشریف بیاورند و این طبیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود، اصلاح کنند این ها را.^۱

مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند.^۲

حکومت جور بسته بشود و از بین برود. معروف در کار باشد. منکرات از بین بروند. حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) ارواحنا فداه هم که تشریف می آورند، برای همین معناست.^۳

آن کاری که لشکر امام زمان باید بکند، یا آن کاری که لشکر طاغوت می کرد، فرق دارد. همان طوری که خود امام زمان با طاغوت فرق داشت. آن، حکومت جور بود و این، حکومت عدل. آن، حکومت طاغوت بود و این، حکومت خدا.^۴

۱ - همان، ج ۱۷، ص ۴۹.

۲ - همان، ج ۱۸، ص ۸۸.

۳ - همان، ج ۲۰، ص ۱۹۰.

۴ - همان، ج ۱۱، ص ۱۳۵.

۱۰) جامعه‌ی پس از ظهور

الف - زیبایی‌ها

به ما این وعده را داده‌اند که، در یک وقتی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند، این اختلافات از بین می‌رود و همه برادروار با هم هستند. دیگر زورمند و زورکشی در کار نمی‌ماند.^۱

ولهذا می‌بینید فساد در آن وقت بود و حالا هم هست و تا آخر هم خواهد بود. بله، در زمان حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) حکومت، واحد می‌شود. قدرت حکومت عدالت، یک عدالت اجتماعی در همه‌ی عالم می‌آید، اما نه این که انسان‌ها بشوند یک انسان دیگر. انسان‌ها همان‌ها هستند که یک دسته‌شان خوبند، یک دسته‌شان بد. منتها آن‌هایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند کارهای خلاف بکنند.^۲

آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است، که امید است با تعجیل

۱ - همان، ج ۱۱، ص ۳۱.

۲ - همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

در ظهور مهدی آخرالزمان ارواحنا فداه حاصل شود. و رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت اخروی است که خداوند نصیب همگان فرماید.^۱

ب - زشتی‌ها

در حکومت عدل بقیّة الله (عجل الله تعالی فرجه) هم عدالت جاری می‌شود، لکن حبّ‌های نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حب‌های نفسانی است که بعضی روایات هست که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را تکفیر می‌کنند.^۲

ما نباید توقع داشته باشیم که، صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همان‌ها هم که مخالف هستند، حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه) را شهید می‌کنند و در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی

۱ - همان، ج ۱۸، ص ۹۳.

۲ - همان، ج ۱۶، ص ۱۰۵.

فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.^۱

شما بدانید که اگر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) حالا بیاید، باز این قلم‌ها مخالفند با او.^۲

❶ مفهوم واقعی عدالت

حالا البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است، ما اگر بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم. تکلیف مان است. ضرورت اسلام و قرآن، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه‌ی کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم. چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را هم‌چو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (عجل الله تعالی فرجه).^۳

۱ - صحیفه‌ی امام، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

۲ - صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۲۷.

۳ - همان، ج ۲۰، صص ۱۹۸ - ۱۹۹.

قضیه‌ی غیبت حضرت صاحب، قضیه‌ی مهمی است
 که به ما مسایلی می‌فهماند. مِنْ جمله این‌که؛ برای یک
 هم‌چو کار بزرگی که در تمام دنیا، عدالت به معنای واقعی
 اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی اَلَّا مهدی موعود (عجل الله
 تعالی فرجه) که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است
 برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت
 آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در
 همه‌ی عالم بکنند، لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی
 مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای
 عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان
 خودشان موفق نشدند به این معنا. و آن کسی که به این معنا
 موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد
 نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند - که فقط
 قضیه‌ی عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه
 عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا
 کند؛ انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی،
 برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد
 عدالت است در انسان. اگر اخلاقش، اخلاق منحرفی
 باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت

در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید، یک انحرافاتی و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده‌ی صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) که خداوند ذخیره کرده است او را، از باب این که هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن، با این که برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه‌ی انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه‌ی اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. این که این بزرگوار را طول عمر داده، خدای تبارک و تعالی، برای یک هم‌چو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک هم‌چو معنایی نبوده است. و بعد از انبیا که آن‌ها هم بودند، لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی

موجود (عجل الله تعالى فرجه) هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر، کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند. نمی توانسته و این، یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک هم چو مطلبی. و لهذا به این معنا، عید مولود حضرت صاحب ارواحنا له الفداء بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین.

اگر عید ولادت حضرت رسول ﷺ بزرگترین عید است برای مسلمین. از باب این که موفق به توسعه‌ی آن چیزهایی که می خواست توسعه بدهد، نشد؛ چون حضرت صاحب (عجل الله تعالى فرجه) این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. به همه‌ی مراتب عدالت، به همه‌ی مراتب دادخواهی، باید ما بگوییم که عید شعبان - عید تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه) - بزرگترین عید است برای تمام بشر - وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او). تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد. تمام کجی‌ها را راست می کند: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا» هم چو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم، که نه یک حکومت

عادلی باشد که دیگر جور نکند. آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی «یملأ الأرض عدلاً بعد ما ملئت جوراً»، الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود. پر از جور است. تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن، انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاق‌ها، انحراف هست. در عقاید، انحراف هست. در اعمال، انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند، انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای این که تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند: «یملأ الأرض عدلاً بعد ما ملئت جوراً». از این جهت، این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی‌دارند به همان معنای مطلقش. از این جهت این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول ﷺ که بزرگ‌ترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگ‌تر است.^۱

چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که برپا کننده‌ی

۱ - همان، ج ۱۲، صص ۲۰۷ - ۲۰۹.

عدالتی است که بعثت انبیا علیهم السلام برای آن بود و چه مبارک است زادروز آب‌مردی که جهان را از شرّ ستم‌گران و دغل‌بازان تطهیر می‌نماید و زمین را پس از آن که ظلم و جور، آن را فراگرفته، پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغل‌بازی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله‌گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین، افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ‌های ستم و کنگره‌های بیداد فروریزد و آن چه غایت بعثت انبیا علیهم صلوات الله و حامیان اولیا علیهم السلام بوده، تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلم‌های ننگین و زبان‌های نفاق افکن، شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمان‌های دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند. و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هر چه زودتر فرارساند و خورشید هدایت و

امامت را طالع فرماید.^۱

﴿۱۲﴾ فقها، حجت امام بر مردم

اسحاق بن یعقوب، نامه‌ای برای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) می‌نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده، سؤال می‌کند و محمد بن عثمان عمری - نماینده‌ی آن حضرت - نامه را می‌رساند. جواب نامه به خط مبارک صادر می‌شود که ... در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدايم^۲

فقها از طرف امام (عجل الله تعالی فرجه) حجت بر مردم هستند.^۳ ولایت فقیه همان ولایت فقیه رسول الله ﷺ است. قضیه‌ی ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است، همان ولایت رسول الله ﷺ است و این‌ها از ولایت رسول الله ﷺ هم

۱ - همان، ج ۱۵، ص ۲۲.

۲ - ولایت فقیه، ص ۱۰۳.

۳ - همان، ص ۱۰۶.

می ترسند.^۱

روحانیون با هم باید باشند. اینها همه لشکر امام
زمان (عجل الله تعالی فرجه) هستند.^۲

اگر خدای نخواست، روحانیونی که مدعی این هستند
که، نماینده‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) الآن هستند در بین
مردم، اگر خدای نخواست از یکی شان یک چیزی صادر
بشود که برخلاف اسلام باشد، این طور نیست که فقط
خودش را از بین برده باشد. این، حیثیت روحانیت را
لکه‌دار کرده است.

این که این نماینده، یعنی مدّعی نمایندگی از طرف امام
زمان (عجل الله تعالی فرجه) و اسلام دارد، نماینده‌ی امام زمان (عجل الله
تعالی فرجه) اگر خدای نخواست یک قدمی کج بردارد، این
اسباب این می شود که مردم به روحانیت بدبین بشوند.
بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست
اسلام است. آن که حفظ کرده تا حالا اسلام را، این طبقه
بوده و اگر در این طبقه، شخصی یا اشخاصی پیدا بشود که
برخلاف مصالح اسلام خدای نخواست عمل بکند، جرمی

۱ - صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۲۶.

۲ - همان، ج ۵، ص ۱۶۶.

است که از آدم‌کشی بدتر است. جرمی است که از همه‌ی معاصی بدتر؛ برای این که جرم صادر می‌شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می‌برد و آن‌هایی که غافل هستند از اسلام، گاهی وقت‌ها برمی‌گرداند، این، این‌طور نیست که وارد شده است که اگر چنان‌چه عالم فاسد بشود، عالم فاسد می‌شود. برای این که عالم /نماینده/ به حسب ظاهر، نماینده‌ی امام است.^۱

﴿۱۴﴾ دعا

خداوندا!... دعای خیر حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء -
را شامل حال مان گردان.^۲
امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نورافشانند
و مقدمات ظهور منجی بشریت را فراهم آورد. «و ما ذلک
علی الله بعزیز».^۳

خداوندا! تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت
بقیة الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت،

۱ - همان، ج ۱۱، ص ۶.

۲ - همان، ج ۲۰، ص ۶۲.

۳ - همان، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

جبران فرما.^۱

ما را موفق کند که به لقای جمال مبارک امام زمان (عجل الله
تعالی فرجه) موفق بشویم.^۲

و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق
بدهد که، ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست،
برسیم و ما ان شاءالله با هم باشیم و این قافله را با هم به
منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت، رد کنیم.^۳
خداوند، همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا
بتوانیم این امانت الهی را به سرمنزل مقصود برسانیم و به
صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا لمقدمه
الفداء رد کنیم.^۴

بار الها! این کشور، وابسته به رسول اکرم ﷺ و اهل بیت
گرامی او است و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه
الفداء است.^۵

۱ - همان، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

۲ - همان، ج ۱۹، ص ۱۶۱.

۳ - همان، ج ۱۹، ص ۱۳۴.

۴ - همان، ج ۱۹، ص ۱۱.

۵ - همان، ج ۱۹، ص ۲۶۴.

روز وصل

غم مخور، ایام هجران رو به پایان می‌رود
این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نور رخ او، نورافشان می‌شود
هرچه غیر از ذکر یار، از یاد رندان می‌رود
ابرها، از نور خورشید رخس پنهان شوند
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
وعده‌ی دیدار نزدیک است یاران مژده باد
روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود^۱

شمس کامل

صف بیارایید رندان! رهبر دل آمده
جان برای دیدنش، منزل به منزل آمده

۱ - دیوان امام، ص ۱۱۱.

بلبل از شوق لقایش، پَرزنان بر شاخ گُل
گل ز هجر روی ماهش، پای در گِل آمده
طور سینا را بگو: ایام «صَعق» آخر رسید
موسیٰ حق در پی فرعون باطل آمده
بانگ زن بر جمع خفاشان پست کور دل
از ورای کوهساران، شمس کامل آمده
باز گو اهریمنان را فصل عشرت بار بست
زندگی بر کام تان، زهر هلاهل آمده
دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین
با دم عیسیٰ برای حل مشکل آمده
غم مخور ای غرق دریای مصیبت غم مخور
در نجات، نوح کشتی بان به ساحل آمده^۱

قسمتی از قصیده‌ی بهاریه‌ی انتظار
شد موسم عیش و طرب، بگذشت هنگام کَرَب
جام می گلگون طلب، از گُل عذاری مه جبین
قدش چو سرو بوستان، خدش به رنگ ارغوان
بویش چو بوی ضیمران، جسمش چو برگ یاسمین

۱ - همان، ص ۱۷۸.

چشمش چو چشم آهوان، ابروش مانند کمان
آب بقایش در دهان، مهرش هویدا از جبین
رویش چو روز وصل او، گیتی فروز و دل‌گشا
سویش چو شام هجر من، آشفته و پُر تاب و چین
با این چنین زیبا صنم، باید به بُستان زد قدم
جان فارغ از هر رنج و غم، دل خالی از هر مهر و کین
خاصه کنون کاندر جهان، گردیده مولودی عیان
کز بهر ذات پاک آن، شد امتزاج ماء و طین
از بهر تکریمش میان، بر بسته خیل انبیا
از بهر تعظیمش کمر، خم کرده چرخ هفتمین
مهدی امام منتظر، نوباوه‌ی خیرالبشر
خلق دو عالم سر به سر، بر خوان احسانش نگین
مهر از ضیائش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای
دریا ز جودش قطره‌ای، گردون ز کِشش خوشه چین
مسرّات ذات کبریا، مشکوٰة انوار هُدا
منظور بسعۃ انبیا، مقصود خلق عالمین
امرش قضا، حکمش قدر، حُبش جنان، بغضش سَقَر
خساک رهش زیبد اگر، بر طُرّه ساید حور عین

دانند قرآن سر به سر، بایی ز مدحتش مختصر
 اصحاب علم و معرفت، ارباب ایمان و یقین
 سلطان دین، شاه زَمَن، مالک رقاب مرد و زن
 دارد به امر ذوالمِنَن، روی زمین، زیر نگین
 ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر
 خیل ملایک سر به سر، در بند الطافش، رهین
 حُبّش سفینه نوح آمد در مَثَل، لیکن اگر
 مهرش نبودی نوح را می بود با طوفان قرین
 گرنه وجود اقدسش، ظاهر شدی اندر جهان
 کامل نگشتی دین حق ز امروز تا روز پسین
 ایزد به نامش زد رقم، منشور ختم الاوصیا
 چونان که جدّ امجدش گردید ختم المرسلین
 نوح و خلیل و بوالبشر، ادریس و داود و پسر
 از ابر فیضش مُسْتَمِد، از کان علمش مُسْتَعین
 موسی به کف دارد عصا، دربانیش را منتظر
 آماده بهر اقتدا، عیسی به چرخ چارمین

ختمهٔ مسک

پیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

ما رفته بودیم جبهه‌ها در زمان جنگ. یک شب، نیمه شبی از چادری که دعای توسل بود در آن، خارج شدیم. در آن همنشینی و انس بیابان و شب و آسمان و حالی که ما داشتیم، در یک عوالمی غرقه بودیم که شخصی به ما نزدیک شد. بعد از این که صحبت کرد، فهمیدیم که یکی از فرماندهان رده بالاست. آمده بود به سخن گفتن و در حقیقت حالی کردن در آن نیمه شب. می‌گوید صحبتش که تمام شد، گفت: بیخشید من. می‌خواهم یک حکایتی را برای شما بگویم. گفت: مدتی پیش، من در چادر خود خوابیده بودم. نیمه‌های شب خواب دیدم که یک شخص سبز پوشی وارد چادر من شد. به گونه‌ای بود که من برخاستم و حس کردم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است. در این بین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) فرمودند: که بروید پهلوی امام‌تان. پنج تا پیام دارم به ایشان منتقل کنید. می‌گوید: بعد من از خواب پریدم و گفتم: رؤیای کاذبه است و نمی‌دانم چه است و این را فراموش کردم. دو هفته بعد در جماران جلسه بود. جلسه که تمام شد، همه که خارج شدند، امام

گفت: شما بایست. من ایستادم. وقتی ایستادم، گفت: حالا بگو بینم پیام چیست؟ (اگر این حرف را کسی می‌زد که عادت دارد شعار بدهد و پرت بگوید، من شک می‌کردم در پذیرش آن، ولی این آدم چشم‌هایش حرف می‌زد به جای لب‌هایش). آقا! شما بایست بینم. ایستادم. بگو بینم پیغام چیست؟ من گفتم: ببخشید کی، چی، کجا؟
 امام، مطلع پیام را برایم ذکر کردند. به یادم آمد. تکرار کردم کاملش را.^۱

این حکم مال من نیست

در قصیده‌ی بهمن ماه ۵۷ که رژیم شاه، حکومت نظامی را از ساعت مثلاً ۹ شب آورده بود به ۴ بعد از ظهر. ساعت ۲ و ۱۰ دقیقه، زنگ تلفن محل اقامت امام در مدرسه‌ی رفاه به صدا در آمد. پشت خط، مرحوم طالقانی بود. ایشان به آن کسی که گوشی را بر می‌دارد، می‌گوید: به امام بگویید امروز اعلام کردند ساعت ۴ حکومت نظامی است. حکم چیست؟ چه کار باید کرد؟ امام می‌فرمایند که به ایشان بگویید: اگر با مردم تماس دارند، بگویند که مردم

۱ - تنهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری. صص ۱۲۸ - ۱۲۹.

بیشتر بیایند. این جزئی از تاریخ انقلاب است. مرحوم طالقانی آن طوری که دخترش در کتاب می گوید، شروع می کند به گریه کردن که به این سید بگویید (به این پیرمرد بگوئید) می داند که چه کار دارد می کند؟ (متن مکتوبش هست). آن رژیم که ۱۷ شهریور را درست کرده، ابا ندارد از این که قتل عامی دیگر صورت دهد. امام می گوید: به او بگویید «این حکم مال من نیست». اتفاقاً همان شب کلاتری ها فتح شد. و قصه ی این انقلاب تمام، و پیروز شد.^۱

ندای ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

۲۲ بهمن ۵۷ یوم الله بود. واقعاً ما در معرض کشته شدن بودیم. فقط ندای ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) به داد ما رسید. فردی که الآن زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی. (خدمت امام امت) گفت: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) می فرماید: در خانه نمازید. اگر ماندید، کشته می شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمازید. آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می کنند. این ها عصبانی

۱ - همان، صص ۱۲۶ - ۱۲۷.

هستند، آخر کارشان است.

امام فرمود: باید بیرون بریزند. ایشان [آقای طالقانی] خیلی اصرار کرد. [امام] فرمود: اگر پیام از جای دیگری باشد، باز [بر سر حرف خود] ایستاده‌اید؟ [آقای طالقانی] گفت: چشم، تسلیم هستم. لذا ۲۲ بهمن یوم‌الله است.^۱

۱ - درس تفسیر قرآن، آیت الله خزعلی، مرکز تخصصی تفسیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۹ / ۱۱ / ۲۳.

عاشق سوخته

پرده بردار ز رخ، چهره گشا، ناز بس است

عاشق سوخته را دیدن رویت هوس است

دست از دامنت ای دوست نخواهم برداشت

تا من دل شده را یک رمق و یک نفس است

همه خوبان بر زیباییات ای مایه‌ی حسن

فی‌المثل در بر دریای خروشان چو خس است

مرغ پر سوخته را نیست نصیبی ز بهار

عرضه‌ی جولانگه زاغ است و نوای مگس است

داد خواهم غم دل را به کجا عرضه کنم

که چو من دادستان است و چو فریادرس است

این همه فلغل و غوغا که در آفاق بود

سوی دلدار روان و همه بانگ جرس است

میلاد گل

میلاد گل و بهار جان آمد

برخیز که عید منی کشان آمد

خاموش مباش زیر این خرقه

بر جان جهان دوباره جان آمد

برگیر به دست، پرچم عشاق

فرماندهی ملک لامکان آمد

گلزار ز عیش لاله باران شد

سلطان زمین و آسمان آمد

با یار بگو که پرده بردارد

هین! عاشق آخرالزمان آمد

آماده‌ی امر و نهی و فرمان باش

هشدار! که منجی جهان آمد

کاروان عمر

همرا را پایان رسید و یارم از در درنیامد

قصه‌ام آخر شد و این غصه را آخر نیامد

جام مرگ آمد به دستم، جام می هرگز ندیدم

سال‌ها بر من گذشت و لطفی از دلبر نیامد

مرغ جان در این قفس بی بال و پر افتاده هرگز

آن‌که باید این قفس را بشکند از در نیامد

عاشقان روی جانان جمله بی نام و نشانند

نامداران را هوای او دمی بر سر نیامد

کاروان عشق رویش صف به صف در انتظارند

با که گویم آخر آن معشوق جان پرور نیامد

مردگان را روح بخشد، عاشقان را جان ستاند

جاهلان را این چنین عاشق‌کشی باور نیامد

محرم اسرار

هیچ دانی که من زار گرفتار توام

با دل و جان سبب گرمی بازار توام

هر جفا از تو به من رفت به منت بخرم

به خدا یار توام یار وفادار توام

تار گیسوی تو آخر به کمندم افکند

من اسیر خم گیسوی تو و تار توام

بس کن ای جغد ز ویرانه خود دم ببرند

که در این دایره من نقطه‌ی پرگار توام

عارفان پرده بیافکنده به رخسار حبیب

من دیوانه گشاینده‌ی رخسار توام

عاشقان سرّ سویدای تو را فاش کنند

پیش من آی که من محرم اسرار توام

روی بگشای بر این پیر ز پا افتاده
تا دم مرگ به جان عاشق دیدار توام

انتظار

از غم دوست در این می‌کده فریاد کشم
دادرس نیست که در هجر رخس داد کشم
داد و بیداد که در محفل ما، رندی نیست
که برش شکوه برم، داد ز بیداد کشم
شادیم داد، غم داد و جفا داد و وفا
با صفا منت آن را که به من داد، کشم
عاشقم، عاشق روی تو، نه چیز دیگری
بار هجران و وصالت به دل شاد کشم
در غمت ای گل وحشی من ای خسرو من
جور مجنون ببرم، تیشه فرهاد کشم
مردم از زندگی بی تو - که با من هستی
طرفه سرّی است که باید پیر استاد کشم
سال‌ها می‌گذرد، حادثه‌ها می‌آید
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

بوی نگار

آن ناله‌ها که از غم دلدار می‌کشم
آهی است که کز درون شرر بار می‌کشم
بسا یار دلفریب بگو: پرده برگشا
کز هجر روی ماه تو، آزار می‌کشم
منصور را گذار که فریاد او بدوست
در جمع گلرخان به سرِ دار می‌کشم
ساقی بریز باده به جام که هجر یار
باری است بس گران به سر بار می‌کشم
گفتی که دوست باز کند، در به روی دوست
این حسرتی است تازه که بسیار می‌کشم
کوچک مگیر کلبه پیر مغان که من
بسوی نگار زان در و دیوار می‌کشم
سالک! در این سلوک به دنبال کیستی؟
من یار را به کوچه و بازار می‌کشم

شمس کامل

بلبل از شوق لقایش پر زنان بر شاخ گل
گل ز هجر روی ماهش پای در گل آمده

«طور سینا» را بگو ایام «صغق» آخر رسید

موسیٰ حق در پی فرعون باطل آمده

بانگ زن بر جمع خفاشان پست و کور دل

از ورای کوهساران شمس کامل آمده

بازگو اهریمنان را فصل عشرت بار پست

زندگی بر کامتان زهر هلاهل آمده

دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین

با دم عیسی برای حل مشکل آمده

غم مخور ای غرق دریای مصیبت، غم مخور

در نجات نوح کشتیان به ساحل آمده

در مدح ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

حضرت صاحب زمان مشکوة انوار الهی

مالک کون و مکان مرآت ذات لا مکانی

مظهر قدرت، ولی عصر، سلطان دو عالم

قائم آل محمد، مهدی آخر زمانی

با بقاء ذات مسعودش همه موجود باقی

بی لحاظ اقدسش یکدم همه مخلوق فانی

خوشه‌چین خرمن فیضش همه عرشی و فرشی
 ریزه‌خوار خوان احسانش همه انسی و جانی
 از طفیل هستی‌اش هستی موجودات عالم
 جوهری و عقلی و نامی و حیوانی و کانی
 شاهدی کو از ازل از عاشقان بر بست رخ را
 بر سر مهر آمد و گردید مشهود و عیانی
 از ضیائش ذره‌ای برخاست شد مهر سپهری
 از عطایش بسدره‌ای گردید بدر آسمانی
 بهر تقبیل قدومش انبیاء گشتند حاضر
 بهر تعظیمش کمر خم کرد چرخ کهکشانی
 گو بیا بشنو بگوش دل ندای «انظرونی»
 ای که گشته بی خود از خوفِ خطاب «لن ترانی»
 عید «خُم» با حشمت و فرّ سلیمانی بیامد
 که نهادم بر سر از میلاد شه تاج کیانی
 جمعه می‌گوید من آن یارم که دائم در کنارم
 نسیمه شعبان مرا داد عزّت و جاهِ گرانی
 قرن‌ها باید که تا آید چنین عیدی به عالم
 عید امسال از شرف زد سگّه صاحبقرانی

عقل گوید باش خامش چند گوی مدح شاهی

که سروده مدحتش حق، با زبان بی‌زبانی

ای که بی نور جمالت نیست عالم را فروغی

تا به کی در ظلّ امر غیبتِ کبریٰ نهانی

پرده بردار از رُخ و ما مُردگان را جان ببخشا

ای که قلب عالم امکانی و جانِ جهانی

بخشی از یک مسمط در مدح امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

مصدر هر هشت گردون مبدأ هر هفت اختر

خالق هر شش جهت، نور دل هر پنج صدر

والی هر چهار عنصر، حکمران هر سه دختر

پادشاه هر دو عالم، حجت یکتای اکبر

آن‌که جودش شهرة آسمان بل لا مکان شد

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن خو

هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم مه رو

شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو

هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسکری مو

مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهان شد

پادشاه‌عسکری طلعت، نقی حشمت، تقی فر
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج و افسر
مجتبی حلم و رضیه عفت و صولت چو حیدر
مصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد^۱

جلوه ذاتش به قدرت تالی فیض مقدس
فیض بی حدش به بخشش، ثانی مجلای اقدس
نورش از «کن» کرد بر پا هشت گردون مقرنس
نطق من هر جا چو شمشیر است و در وصف شه اخرس
لیک پای عقل در وصف وی اندر گل نهان شد

دست تقدیرش به نیروه جلوه عقل مجرد
آینه انوار داور، مظهر اوصاف احمد
حکم و فرمانش محکم، امر و گفتارش مسدد
در خصایل ثانی اثنین ابوالقاسم محمد علیه السلام

۱ - دیوان امام، ص ۲۷۶.

آن‌که از «یزدان خدا» بر جمله پیدا و نهان شد

روزگارش گرچه از پیشینیان بودی مؤخر
لیک از آدم بُدی فرمانش تا عیسی مقرر
از فِراز توده فِبراء تا گردون اخضر
وز طرازِ قِبْه ناسوت تا لاهوت یکسر
بسنده فرمانبرش گردید و عیدِ آستان شد